

۱۷- استالینیسیم و ستم بر زنان: در اتحاد جماهیر شوروی هنوز

زنان تحت ستم قرار دارند، حتا با وجود این که دولت کارگری مبنی به ضوابط بعد از دوران نظام سرمایه داری، در آن حاکم است. عامل و شکل اصلی ستم بر زنان- وجود محیطی برای کار خانگی درون خانواده که بیشتر مسئولیت اش به عهده زنان است- به همان نحوی در این سیستم کارگری حاکم است که در بطن هر کشور امپریالیستی می باشد. پدیده ستم بر زنان یک امر "طبیعی" نیست که جدا از مسائل جامعه طبقاتی باشد، بلکه وجود این ستم، خود بازتابی است از رو به انحطاط گذاشتن دستاوردهای سالم یک دوران بعد از انقلاب تا رسیدن به وضعیت راکد کنونی، در شوروی.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بلشویک ها، در برنامه خود یک بخش کلیدی و اساسی را شامل می شد که آن تعهد به رهائی کامل زنان بود. بلافاصله پس از کسب قدرت، تغییرات قانونی ای داده شد که حتا به روی دست "دموکراسی" بورژوائی قبلی زن زده و تساوی حقوق زنان را در سطح سیاسی، قانونی و مدنی تأمین نمود. حدود ماه دسامبر سال ۱۹۱۷، ثبت ازدواج در دفاتر اسناد رسمی ممکن و طلاق، امری آسان و آزاد گردید. سقط جنین در سال ۱۹۲۰ در بیمارستان های شوروی ممکن و مجانی شد. علاوه بر این ها، بلشویک ها به برچیدن ریشه های اصلی ستم بر زنان در درون خانواده نیز اقدام ورزیدند. برنامه هائی برای نگهداری کودکان در مهد کودک های دولتی، غذاخوری های عمومی و لباس شویی های عمومی و برنامه هایی از این قبیل، بدین منظور تهیه گردید. تبلیغات برای استفاده از امکانات دولتی در امور زندگی در همه ی جا به گوش می رسید.

اضافه بر این، "اداره امور زنان" بزرگ و فعالی هم (به نام زنوتدل) تأسیس گردید که کارش جذب میلیون ها زن کارگر و دهقان به بحث، تصمیم گیری و کار عملی برای به اجرا در آوردن برنامه آزادی زنان بود. اما این نقشه ها هرگز جنبه عینی و واقعی در ابعاد جدی، به خود نگرفتند و این عمدتاً به این خاطر ویرانی های جنگ داخلی و

قحطی ناشی از آن بود که فشار بسیار سنگین اقتصادی را بر دوش دولت جوان آن گذاشت. برای مثال، تشکیل غذاخوری های عمومی در دوران جنگ داخلی، نه برای بهبود وضع و کیفیت روابط خانوادگی بود، بلکه بهبود راه برای پخش مواد غذایی کمیاب مردم به شمار می آمد. بعد از جنگ، دوره ی "خط مشی اقتصادی نوین" معرفی گردید که تأثیر آن به وجود آوردن بیکاری در ابعاد توده ای بود و در آن هنگام زنان بیشتر فشار و بدبختی را متحمل شدند.

حدود اواسط دهه ۱۹۳۰، رژیم، باقی مانده آثار برنامه سوسیالیستی بلشویک ها را در مورد اجتماعی کردن کار خانگی زنان، به طور کلی زدود. با رشد بوروکراسی در کنار کمبود عمومی- که با اولین "برنامه پنج ساله" تشدید هم شد- امکانات محدود و ناچیز موجود در زمینه نگهداری کودکان، غذارسانی و لباس شویی دولتی باز هم کاهش یافت و در عوض تکیه بر روشه ای خصوصی در این زمینه مجدداً رشد روز افزون یافت.

در سطح این جامعه بوروکراتیک هم وجود خدمت کاران خانگی، امری عادی گردید. سیاستی با تمام قدرت و ریاکارانه برای ساختن "کانون خانواده جدید" به راه افتاد تا بازگشت به بردگی در خانه را به عنوان هدفی برنامه ریزی شده و محق جلوه دهد. ادعاهائی هم که درباره اساس یک "خانواده سوسیالیستی" بر پایه عشق، می شد با محدودیت هائی که بر عشق و طلاق گذاشته شد، همه به خاک سپرده شدند.

در حقیقت همان طور که تروتسکی اشاره کرده، تمام منطق استالینیزم در این زمینه، متکی بر افزایش میزان "ازدواج برای راحتی" به عنوان وسیله ای برای دست یابی به امتیازات و منابع کمیاب بود. کوتاهی نظام استالینینیستی در بر آورده کردن نیازهای توده زنان در تهیه وسایل جلوگیری از بارداری و امکانات سقط جنین، سبب سقط جنین های غیر تخصصی می شد که به علت عفونت، باعث از دست رفتن جان این زنان می گردید. پاسخ این نظام بوروکراتیک به این نیاز، غیرقانونی کردن

سقط جنین در سال ۱۹۳۶ بود. به جای فراهم آوردن امکانات لازم. بالاخره تا سال ۱۹۵۵ که مرگ به علت عفونت ناشی از سقط جنین به یک اپیدمی تبدیل شد، طول کشید تا رفورمی در قانون ایجاد گشت. خصلت شوم اقتصاد شوروی سبب شده است که امکان تهیه وسایل راحتی برای انجام کارهای خانه که در اختیار زنان خیلی از کشورهای امپریالیستی قرار دارد، برای زنان این کشور فراهم نباشد. ترکیب این امر با مسئله کمبود مواد غذایی دو شیفت کار زنان شوروی را حتی ستم گرانه تر از کشورهای امپریالیستی می گرداند. نتیجه حاصل از به گمراهی کشیدن انقلاب بلشویکی این شده است که اعتبار سوسیالیزم را در نظر طبقه کارگر جهان از بین برده و به خصوص در نظر زنان کارگر، این جامعه ی "کمونیستی" فرقی با قبل آن ندارد.

"رفورم"های اخیر گورباچف هم که از کوششی در راه اجتماعی کردن کارخانگی و آزاد کردن زنان از بندهای آن بسیار دور بوده، در اصل برای محکم تر کردن نقش خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی می باشد و در واقع فشار را برای زنان شوروی جهت رها کردن شغل شان، بیش از پیش افزوده است. استدلال نظام بورکراتیک در این مورد این گونه بوده است که "از بین رفتن حالت ظریف زنانه ی در زنان بر اثر نقش گسترده آن ها در کارخانجات و مشاغل دیگر حداقل تا حدودی در بوجود آمدن خیلی از بیماری ها و مسائل اجتماعی، تأثیر داشته است این ایدئولوژی واپس گر در کنار گزارش های زیادی از شرایط کاری وحشتناک زنان، بیرون می آید. این سیستم سر خود را به حمایت از زنان، با تشویق آنان به خانه نشینی، گرم کرده است.